

۱۶۷۸۸

نشریه دانشکده ادبیات تبریز	مجله
پاشر ۱۳۳۵	تاریخ نشر:
سال ۸	شماره
	شماره مسلسل
تبریز	محل نشر
فارسی	زبان
از علی ستقانی	نویسنده
۲۱۸ - ۲۰۷	تعداد صفحات
تأثرات حافظ از قرآن	موضوع
	سرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات

این اثر از لطفها و اظهار محبتهای بی شائبه آن عزیز بزرگوار و تشویق و ترغیب و مهر های لطف آمیز دیگر دوستان فاضل و دانشمند که بر کم و کیف آن و جزوه خطی اطلاع داشتند مرا در کار ادامه مطالعه و تحقیق استوارتر ساخت و موجب دلیری و دلگرمی گردید تصمیم گرفتم که به موازات مطالعات خود قلم بزرگم و به تهیه و تدوین یادداشتها بپردازم تا آنجا که در عرض مدتی کوتاه بتقریب ۵۰ رساله مختصر، توفیق تخلص شد که به ترتیب عبارتند از :

۱- شرح غزلی از حافظ یا مختصر شرح و تحقیق در دیوان پرفروش

۲- شرح و حل مشکلات اشعار مقدمه منطق الطیر و استخراج تلمیحات قرآنی

و حدیثی آن

۳- استخراج برخی از اصطلاحات و ترکیبات لفظی غزلیات سعدی شیراز

۴- یادداشتهایی در رساله جبر و تقویض از نظر جلال الدین مولوی

۵- تأثرات حافظ ازقران مجید

در رساله اخیراً بعنوان پایاننامه دوره تحصیلات عالیه نگاشتم که هم اکنون مجمل و ملخصی از آن بنظر تیزبین خوانندگان گرامی میرسد و از کیفیت تنظیم و تنسيق آن با شما صاحب نظران دانشمند و صاحبان ارجمند بحث میرود.

چنانچه استحضار حاصل شد در رساله نخست وعده کرده بودم که در استخراج تلمیحات قرآنی دیوان عشق نیز خواجه ادب بکوشم و دوستان دانشمند و یاران صاحبید نیز نگارنده را بادامه کار تشویق و ترغیب می کردند مدتها در این اندیشه بودم که آیا خولام توانست بانجام و انجام این وعده بزرگ بپردازم ؟ و این سخن را جامه عمل بتن سازم ؟ تا اینکه توفیق و عنایت ربانی ذات حق جل جلاله شامل جلال گردید و عشق انجام آن بدلم شورید کمر همت بر میان بستم و از اظاف بی کران حضرت حق یاری و مدد جیبم و دست بدارك یادداشتها و ترتیب آنها یازیدم

بیشتر از شش ماه در تهیه این رساله و تنظیم مطالب نا بسامان و اوراق پریشش روزگار گذاردم و آنی از مجاهدت و کوشش و تحمل رنج و بی خوابی نیاسودم و از پای ننشستم راستش را بخواهید باینکه شاید بیشتر از ۱۸ سال بود که بسا دیوان لسان الغیب آشنائی داشتم و لا اقل که گاهی بعنوان نفال و استشارات و استخاره آنرا باز میکردم و راز درون دل را از آن باسخ مناسبی می یافتم و می شنیدم و نیز ظاهراً پیش از ۲۶ سال بود که با کتاب مقدس و معجزه آسای قبران مانوس و مالوف بودم و برای تسکین دل دردمند خویش با آیات باهره و شریفه اش استمساک می جستم و دست کم هر سال دوبار تمام آنرا میخواندم و میخوانم وقتی بتهیه رساله خود شروع میکردم ابتدا تصور مینمودم که شاید بیشتر از صد یا دویست بیت در تمام دیوان دل انگیز خواجه نخواهم یافت که در آنها تلمیحی ازقران بکار رفته باشد و پیش خود تاسف میخوردم که تمام این رساله بیش از ۵۰ یا صد صفحه نخواهد بود بقول خواجه عزیز :

چو عاشق میشدم گفتم که بر دم گوهر مقصود ندانستم که این دریاچه موج خون نشان دارد پس از شروع بکار با اهمیت کار خود و بزرگی وعده که داده بودم بی بردم و دریافتم که تصادفاً در تمام ابیات دلنشین دیوان شورانگیز خواجه ادب کمتر بیت و غزلی پیدا میشود و شاید تعداد آن از شماره انگشتان دست کمتر است که تأثری ازقران مجید نداشته باشد .

حق نیز همین است که دیوان خواجه پند از تلمیحات و اشارات لطیف قرآنی باشد زیرا خواجه عزیز که بمناسبت از برداشتن قران عظیم بحافظ تخلص کرده و آن کتاب معجزه آسا و مبارک را بقول خود در چهارده روایت از حفظ داشته :

عسقت رسد بفریادگر خود بسان حافظ قران زبر بخوانی در چارده روایت بقدری افکار بلند و اندیشه لطیفش در خلال آیات باهره و عبارات روح بخش

آن محصور و مندمج و محاط بوده، که اصولاً نمی‌توانسته بهنگام سرودن غزل و تقریر هیجانات ضمیر متبر و بیان احساسات زیبای خود از تحت تاثیر آن درآید و احیاناً سختی گوید که اثری از مملو مات قرانی خود در آن نداشته باشد و بومی از آن کان و کانون عطر قرح بخش به شام جان دل اهل نظر و صاحبان دل نرساند و روان تیشه کام خدایان بدان معرفت و ارباب عشق و بصیرت را از آن چشمه زلال خیز و عین الحیات سیراب نسازد راستی در اثر رسوخ و نفوذ معنوی کلام دلنشین و دلنشان ربانی است که «شعر حافظ همه بیت القزل معرفتست ازین سخن برغم خیل خود می‌گذرد و ادای حق مطلب را آنچنان که توانم نه آنچنان که هست بوقت دیگر موکول می‌کنم سخن درین میرفت که من بنده با اهمیت و بزرگی کار خود چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت بی‌بردم و لازم دیدم که در این کار هر چه بیشتر دقیق شوم و کاری مرتب و منظم انجام داده و پیش روم و تنها سرحد امکان و مرز توانائی خود نگذارم موضوعی از نظر قوت شود و دقیقه و نکته‌ای از یاد رود تا غایت مقصود و نهایت منظور به‌اصل آید اساس کار خود را بر روی دیوان مصحح بوسیله مرحومین علامه قزوینی و دکتر غنّی قرار دادم از نخستین بیت آن شروع کردم و دیدم که عشق آسای نمود اول وای افتاد مشکلهاء بهر حال بیت آنرا مورد بررسی کامل و دقیق نهادم و هر جا که بومی از رایحه آیات کریمه می‌بردم بشماره صفحه و غزل و بیت در مسوده یادداشت می‌کردم و پس از مختصر توجیه و توضیحی که بتواند خواننده را در درک مفهوم بیت روشن نماید آئینی را که از آن اشاره رفته است بشماره آیه شریفه و سوره مبارکه ثبت و ضبط نمودم و برای اینکه در استخراج و اختیار آنها دچار اشتباه و سهو و خطا نشوم با مطالعات چندساله که داشتم و قبلاً باستحضار رسید تاثرات خواجه را از قرآن طبقه‌بندی نموده و بیسج دسته‌تقسیمش کردم بترتیبیکدم اکنون از نظر تیزبین شما خوانندگان دانشمند می‌گذرد

۱ - تاثرات لفظی ۲ - تاثرات لفظی و مفهومی ۳ - تاثرات مفهومی ۴ - تاثرات شبه مفهومی ۵ - تاثرات کلی و اینک برای هر یک از تقسیمات مارالذکر با

مختصر توضیحی مثال و نمونه می‌آورم و شما صاحب نظران را با ملخص و مجملی از اوراق پریشان و کار نایسامان و رساله و جزوه خود آشنا می‌سازم چشم آن دارم که بعین عنایت و لطف نظر کنید و از تقصیر و لغزشی که در تهیه و تدارک آن و از سهو و نسیانی که در تنسیق عبارات و تنظیمش بکار رفته بیدیده جوانی بگردی و بزرگواری نگریند و غرض عین فرمائید و اگر در راه اصلاح نظراتی دارید از راه لطف و کرم بتقدش بردازید (زیرا بنص جبرئیل کتاب گلستان قافله سالار ادیب و سخن سعدی شیراز و متکلمین را تا کسی عیب تکبیرد سخن صلاح پذیرده) و حقین بی‌مایه بر رویه گاه آید و با این نقد خود بر من بنده منتهی عظیم نهید تا انشاء اله اگر امکان چاپ آن پیش آید از نظرات صاحبان صاحب کمال فایده‌ی بگیرم و از راه تمائشان بهره بردارم و در اصلاح و تجدید نظرش بصیرتی یابم زیرا قدر مسلم اینست که هر نوشته دارای نقائص و معایبی است که تا مدتی برنگارنده اش واضح و هویدا نیست بخصوص هنگامی که نویسنده اش در بکار نوشتن خام و مبتدی باشد - یاری باصل سخن بر کردم گفتار ما در آن بود که برای معرفی رساله خود نمونه و مثالی از تاثرات پنجگانه یاد شده می‌آورم :

اول تاثرات لفظی - آن نوع تلمیحات را نام گذاری شده که از مفهوم کلی بیت بظن برسد که خواجه در آوردن آن لفظ و کلمه و در طرز بکار برد آن از قرآن مجید متأثر است و اگر می‌خواستیم تمام الفاظی را که عزیمی است و در قرآن بزرگواری و اشعار حافظ موجود است ملاک عمل قرار داده و تکیه بر روی آن کنیم گمان می‌رود که کار بیپوده می‌بود زیرا خوانندگان حق داشتند که پیش خود بیندیشند از کجا معلوم که خواجه از زبان تازی اقتباس نکرده و از قرآن متأثر شده است و اینک چند نمونه درین قسمت عیناً از رساله موجود می‌آورم :

[صفحه ۸ غزل ۹ بیت ۱۰]

حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر ممکن چون دگر آن قرآن را

خواجه عزیز درین بیت اشارتی لطیف میکند باینکه خود معتقد قرآن مقدس بوده و آیات حکمت بار آنرا از ته دل و صمیم قلب ایمان دارد و ای بسا بتلاوتش می بردارد و مورد بحث و تدقیقش قرار میدهد خطاب بخویشتن می گوید که تو بایده باد یگران این فرق بزرگ را داشته باشی که قرآن دانی و قرآن خوانی را همچو پست و باکاران خدا شناس وسیله تزویر قرار ندهی و بتظاهر و عوام فریبی و سالوس نه بردازی ناظر بدین مضمون اشعار و آیات دلربای دیگری نیز در سراسر دیوان می آورد که بموقع خود از آنها یاد خواهیم کرد [نقل از صفحه ۱۱ رساله]

[صفحه ۹ غزل ۱۰ بیت ۵]

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد بزبان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما
خواجه عاشق پیشه درین بیت با آوردن کلمات آیه و تفسیر مسلمانان از معلومات قرآنی خود متأثر شده است - [نقل از صفحه ۱۲ رساله]

[صفحه ۲۶ غزل ۳۶ بیت ۴]

زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار چیست طایوس که در باغ نعیم افتادست
خواجه ادب زلف محبوب خود را بطاوسی که در بهشت روی دوست بخرامیدن و چریدن و تنعم و گشتن مشغول است تشبیه می کند و خواننده دیوان پرفتوحش را بذوق و عشق درمی آورد و دلهای حساس و عاشق پیشه را بنظاره و تماشا در آن روی و رخسار بهشت آسوار میدارد و آنان را بیاد آیه شریفه ۱۰۷ سوره مبارکه کهف و آیه ۱۱ سوره شریفه المؤمنین می اندازد «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلاً» آیه ۱۱ مومنون «الذین یرنون الفردوس هم فیها خالدون» و نیز آیه شریفه ۸۸ از سوره مبارکه واقعه بیاد می افتد : «فروح وریحان و جنات نعیم»

[نقل از صفحه ۳۵ - ۳۶ رساله]

[صفحه ۸ غزل ۱۰ بیت ۲]

ما مریدان روی سوی قبله چون آریم چون روی سوی خانه خممار دازد پیر ما
حافظ عاشقشند و آرزو مند وصال دوست درین بیت و بیت ما قبل آن که مطلع غزل است «دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما» اشاره بداستان معروف و مهم پور شیخ صنعان می کند (خواننده عزیز می تواند برای اطلاع و آگاهی از داستان شیخ ضحمان علاوه بر سایر منابع و مآخذ بکتاب منطق الطیر شیخ عطار چناب مطبوعه جبل المتین صفحه ۷۰ مراجعه فرماید) وی در آوردن کلمه قبله از قرآن مجید مخصوصاً آیه شریفه ۱۳۹ سوره مبارکه بقره متأثر است آنجا که فرماید : «قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنو لیک قبله ترضیها فاول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فاولوا و جوهکم شطره وان الذین اوتوا کتاب لعلمون انه الحق من ربهم و ما الله بغافل عما یعملون»

[نقل از صفحه ۱۱ رساله]

[صفحه ۱۲ غزل ۳۰ بیت ۷]

حافظ هر آنکه عشق نورزید و وصل خواست احرام طوف کعبه دل بنی وضو بیست
خواجه ادب می فرماید «ناه برده رنج گنج میسر نمی شود» بی زحمت و تحمل رنج عشق و یوصال حضرت دوست رسیدن امکان ندارد و مثل کسی که بدون بار گران عشق و بدون ابتلاء بمشکلات طریقت انتظار وصال را دارد مثل کسی است که بی وضو و طهارت بطواف کعبه بردارد که اجرش ضایع و عملش غیر مأجور است وی در آوردن این تمثیل ظاهراً از آیه شریفه ۳۰ سوره مبارکه الحج متأثر شده است «ثم لیقضوا نفسهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالیت العتیق» و نیز درباره کلمه احرام بآیات شریفه ۹۷ و ۹۶ سوره مبارکه مائده مراجعه فرمائید که فرمود : «یا ایها الذین آمنوا لا تقتلوا الصيد و انتم حرم و من قتله منکم متعمداً فجاء مثل ما قتل من النعم یمکن به ذوا عدل منکم هدیاً بالغ الکعبه او کفارة طعام مساکین او عدل ذلك صیامها

لذیوق و بال امره عفا الله عما سلف و من عاد فینتقم الله منه والله عزیز ذو انتقام. «احل لکم صید البحر و طعمه متاعاً لکم و للسیادة و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتوا الله الذی الیه تحشرون» دراجع بکلمه وضو بصفحه ۱۸ غزل ۲۴ بیت ۲ مراجعه شود [نقل از صفحه ۳۱ رساله]

[صفحه ۵۴ غزل ۷۷ بیت ۸]

چشم حافظ ز بزبام قصر آن حوری سریش شیوه چنان تجزری، تحتها الانبیا داشت حافظ عزیز و طبع و همت بلند خود را حتی در خلال تشبیهات و استعارات لفظی و معنوی هم بخواننده ارجمندهش ارائه میدهد و بی عاشق کریم النفس عالی همتی است، که در عین اینکه مقام معشوق را بالا می برد و شادوش آن رتبه عاشق را نیز ترقی میدهد او بر عکس دیگران در مقابل معشوق و در برابر محبوب خود در بذلت و خواری نسبت نمی دهد و بیستنی نمی گراید بلکه می کوشد همچنان که محبوب را می ستاید خود را نیز پاک و بی آلابش و عالی جلوه دهد چه تشبیهی زیباتر و بلیغتر بزای چشم گریان در فراق یازدین شعر خواجه توان یافت در موضوع تأثر خواجه بآیه شریفه ۱۰۱ سوره مبارکه توبه مراجعه فرمائید که فرمود: «السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه و اعد لهم جنات تجری تحتها الانهار خالدین فیها ابداً ذلك الفوز العظيم»

[نقل از صفحه ۷۴ رساله]

دوم تائرات لفظی و مفهومی - درین قسمت از اشعاری بحث می شود که مفاهیم ابیات با مفاهیم آیات شریفه قرآن یکی بوده و از الفاظ و کلمات مبارکه آیات حکیمه هم در خلال عبارات ابیات آورده شده است بعنوان نمونه چند فقره از آنها را چنین می آوریم:

[صفحه ۱۳ غزل ۱۵ بیت ۷]

دوراست سرآب ازین بادیه هشدار تاغول بیابان نرفید بسراپ

خواجه رند عاشق پیشه از گمراهی دردشت غم انگیز عشق میترسد و خواننده با ذوق خود را نیز از خطر گمراهی درین بادیه می ترساند و آگاه می سازد و میگوید تا وصول بسرچشمه وصال را می بلند در پیش است و حرامیان در کمین مباد که غول بیابان بر خطر عشق و دیو آزند نفس دست بدست هم دهند و در اضلالت بکوشند تا بر خود بیابالی و گمان کنی که عملی عاشق وار بجا آورده و بر کردار و عمل خود غرور شوی و آنرا به چیزی شماری و در خور حضرتش پنداری درین صورت مثل تو همچون مثل آن کافر باشد که قرآن بزرگوار در جفتش فرماید: آیه ۳۹ سوره مبارکه نور «والذین کفروا اعمالهم کسراب یقیمه بحسبه الظلمان ماء حتی اذا جاءهم لم یجدوا شیئاً و وجدوا الله عنده فوفیه و الله سریع الحساب» کلمه سرآب دوبار در قرآن مجید آمده یکبار هم در آیه شریفه ۲۰ سوره مبارکه انباء گرچه مربوط بموضوع بحث نیست برای مزید فایده می آورم: «وسیرت الجمیال فکانت سرآباً»

[صفحه ۱۵ غزل ۱۹ بیت ۲]

شب تاراست وزه وادی ایمن در پیش آتش طور کجا موعید دیدار کجاست حافظ عزیز در بیابان بلاخیز محبت و عشق راه وادی وصال را در پیش می بیند و دل با آتش شوق وصال دوست که بزودی بآن خواهد رسید روشن و خوش می سازد و با بیت شیوا و نغز خود ما را بیاد آیه شریفه ۱۲ سوره مبارکه طه می اندازد: «انی انار بک فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی» و نیز آیه ۳۰ از سوره مبارکه قصص: «فلما اتبها نودی من شاطئ الواد الايمن فی البقعة المبارکة من شجرة الت یاموسی انی انالله رب الیامین»

[نقل از صفحه ۱۹ رساله]

[صفحه ۳۵ غزل ۹۴ بیت ۶]

درین شب سیاهم کم گشت راه مقصود از گوشه برون آی ای کوب هدایت

خواجه عشقمند و آرزومند وصال دوست درین بیت و نغز و لطیف، مخصوصاً با آوردن «کو کب هدایت» حال خود را در طی طریق معرفت و محبت بحال حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام تشبیه میکند و می گوید از خدا می طلبم همانچنانکه حضرت ابراهیم را بوسیله کو کبی بسوی خود هدایت فرمود مرا هم دست گیرد و هدایتهم فرماید قرآن مقدس در حال حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه شریفه ۷۶ سوره مبارکه انعام می فرماید: «فلما جن علیه اللیل را کو کبا قال هذا ربی فلما اقل قال لا اجد الاقلین» بآیات حکیمانه بعدش مراجعیه فرمائید تا چگونه گوی هدایت را در بیابند و نیز آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه انعام را شاید در نظر داشته است: «وهو الذی جعل لکم النجوم لتبهتوا بها فی ظلمات البر والبحر قد فضلنا الایات لتقوم تعلمون» درین صورت تأثیر مفهومی محسوب می شود

[نقل از صفحه ۸۷ رساله]

[صفحه ۵۰ غزل ۷۱ بیت ۲۰]

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر است در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست خواجه بزرگوار بر سر آنست که سالکین طریقت را بیا گاهاند که در طریق طلب باید از غم و درنج دم نزده هر چه را که پیش می آید عین خوشی و کمال سعادت دانست چه طریقت عشق و آئین محبت و مذهب عرفان صراط مستقیم مطالب است که منسلکین خود را با سائرین و راحت ترین وجه بمحبوب میرساند و در تشبیه طریقت بصراط مستقیم از افکار بلند و عالی اسلام و اصطلاح قرآن عزیز متأثر است و خواننده را بآیه شریفه ۱۲۶ سوره مبارکه انعام مذکور است: «وهذا صراط ربک مستقیماً قد فضلنا الایات لتقوم یتذکرون»

[نقل از صفحه ۶۹ رساله]

[صفحه ۶۳ غزل ۹۱ بیت ۴]

کز بایدم شدن سوی هاروت بابلی صدگونه جادویی بکنم تا یارم
خواجه ادب در عشق دوست همیشه پایدار و برای وصول یار بهره کلای متشیب

است و برای ایشکه از وصال محبوب گریزهای برخوردار شود حتی از توسل بچا دومی هم ابا ندارد و بلکه دست یازیدند از خود بدین عمل منهی هم بالصراحة اذعان دارد او درین بیت لطیف اشاره بداستان هاروت و ماروت می کند و ما را بیاد آیه شریفه ۹۶ سوره مبارکه بقره می اندازد: «واتبعوا ما تلوا الشیاطین علی ملک سلیمان وما کفر سلیمان ولکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس سحر وما انزل علی الملکین بیابلی هاروت و ماروت و ما یعلمان من احد حتی یقولوا انما نحن فتنه فلا تکفرت تعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته و ما هم بضارین به من احد الا باذن الله یتعلمون ما یضرهم ولا ینفعمهم ولقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخرة من خلاق و لیسن ما یشرکوا به انفسهم لو کانون یعلمون»

[نقل از صفحه ۸۴ رساله]

[صفحه ۷۴ غزل ۱۰۸ بیت ۵]

نه تنها حیوانات و نباتات و جمادات هر چه در عالم امرست بفرمان تو باد
خواجه ادب و حافظ عشقمند درین بیت آرزوی دل بر عشق خود را که تنها برای خاطر معشوق در سینه نورانش می طید بیان میکند و میگوید آرزویم اینست که نه تنها موالیدسه گانه در تحت امر تو باشند بلکه تمام آنچه که در عالم امکان و جهان امر وجود دارد در زیر فرمان تو باشد و در آوردن عالم امر ظاهراً از آیه شریفه ۸۷ سوره مبارکه اسراء متأثر است «یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی و ما اوتیت من العلم الا قلیلاً» و نیز آیه ۸۲ سوره مبارکه یس «انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون» و توضیحاً باید اضافه کرد که عالم امر در عرف دین مقدس اسلام مصطلح و معروف است

[نقل از صفحه ۹۱ رساله]

[صفحه ۸۱ غزل ۱۱۹ بیت ۶]

ز سر غیب کس آگاه نیست قصه مخوان کدام محرم دل ره درین حرم دارد
حافظ عزیز درین بیت دل انگیز خود می گوید که کسی با سر از غیب آگاهی ندارد و از پس پرده غیب خبردار نیست و کسی را یارای ره داشتن درین حرم نباشد

وی در سرودن این بیت بلیغ از آیه شریفه ۶۶ سوره مبارکه النمل متأثر است که فرمود «قل لا یعلم من فی السموات والارض الغیب الا الله وما یשמرون» آیه شریفه ۵۹ سوره مبارکه انعام: «وعنده مفاتح الغیب لا یراعها الا هو و یراع ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقه الا یراعها ولا حجة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین»
[نقل از صفحه ۹۴ رساله]

بسیوم تأثرات مفهومی است. این چنان تأثرات را گفته شده است که مفهوم بیت را به مفهوم دیگری از آیات شریفه قرآن بزرگوار منطبق کرده باشد. بعنوان نمونه در مثال چند قهره از آنها را عیناً نقل می‌کنم:

[صفحه ۲ غزل ۳ بیت ۵
من از آن حسن روز افزون که یوسف داشتم دانستم
کسکه عشق از تیره عصمت برزقون آزد زلیخا را

لطف بیان و عذوبت سخن نخواست چه درین غزل تا حدی بیش رفته که از سرحد امکان سحر بیان هم در گذشته بی‌جهت نیست که در مقطع غزل خویش می‌گوید: «غزل گه‌تی و در سستی بیاد خوش بخوان حافظ لکه بر نظم تو افشاند فلک عقد نریاره»
خواجه رندوش به هنگام سرودن این بیت لطیف بیاد عشق و محبت دو عاشق و معشوق تاریخی افتاده و از عجز و التماس عاشق در برابر حسن روز افزون معشوق یعنی یوسف عزیز متزلزلت می‌برد و آیات شریفه ۲۳-۲۴ سوره مبارکه یوسف را از خلال کلمات شیرین این بیت شیوا بخواننده عزیز خود بازگو می‌کند: «و ارادته الی هو فی بیتها من نیشه و غایت الابواب و قالت هیئت لك قال معاذ الله انه ربی احسن مثوای انه لا یفلح الظالمون» و «ولقد هممت به و هم بها لولا ان رآبرهان ربه كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء انه من عبادنا المخلصین»
[نقل از صفحه ۳ رساله]

[صفحه ۹ غزل ۱۱ بیت ۲

هرگز نمیرودد آنکه داش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما
خواجه ادب با بیانی شیوا و گفتاری زیبا ماجرای عاشقان و عاقبت کار عشق
ورزان را درین بیت نغز بیان کرده و وعده میدهد که هرگز عنایت و اهریمن و وحشت
زای مرگ بازای آنرا ندارد که بر بیکر عشاق و شوریدگان عشق حقیقی دست یابد
درشته حیات ناگسستی و دلپایختگان را قطع کند چه عشق واقعی و مهر حقیقی آن
سوز و شعله ایست که بر کانون دل بگرم. معیان پیوسته و مدام زبانه می‌کشد و این
آتش نیست که گردش ایام بگذشت روزگار بتواند آنرا سرد کرده و بکشد و بی
این مژده و بشارت نویدبخش را از آیه ۱۶۳ سوره شریفه آل عمران بدست آورده است
آنجا که فرماید: «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم
یرزقون»
[نقل از صفحه ۷ رساله]

[صفحه ۵ غزل ۵ بیت ۷

در کوی نیک نامی ما را گذر ندادند گسرتو نمی بسندی تغییر کن قضارا
حافظ شیرین سخن خوش نامی و نیک نامی را که نتیجه حاصله قطعی و مسلم
هدایت یافتن است بسته به مشیت حکیمان و عباد لانه پروردگار بزرگ دانسته و میفرماید
ورود بدین حریم حرم‌ها بهر کس و ناگس آزاد نکردند و اگر تو نمی بسندی و اگر میتوانی
قضارا تغییر کن و تقدیر را در گون گردان وی شاید بوقت سرودن این بیت بآیه
شریفه ۵۶ سوره مبارکه قصص نظر داشته است:

«انك لا تهتدى من اجبت ولكن الله يهدي من يشاء وهو اعلم بالاهتدى»
[نقل از صفحه ۶-۷ رساله]

[صفحه ۶ غزل ۶ بیت ۷

بخدا که جرعه ده توبه حافظ سحرخیز که دعای صبحگاهی اثری کند شمارا
خواجه سحرخیز است و شاید این سحرخیزی را از سر آمد عارفان جهان و مراد

دل عاشقان و شاه مردان حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام که فرمود «باکرتسعد» یاد گرفته است وی که عاشق جمال و کمال حضرت دوست است دعای صبحگاهی خود را مؤثر می‌داند و در مصراع دوم ظاهراً آیه ۸۰ سوره مبارکه اسراء را بخاطر می‌آورد که فرمود :

«اقم الصلوة لعلک تلذک الشمس الی غسق اللیل وقران الفجر ان قران الفجر کان مشهوراً»
[صفحه ۸ غزل ۱۰ بیت ۹
نقل از صفحه ۸ رساله]

ماه کنعانی من مستد مصر آن توشد وقت آنست که بدرود کنی زندان را
حافظ بزرگوار معشوق ویا بقول بعضیها ممدوح خود را در زیبایی و کمال
یوسف عزیز مصر که نمرنه و نشانه زیبایی برده و مثال اعلاهی حسن و دلبری است
تشبیه کرده است و قصه حضرت یوسف علی نبینا وعلیه السلام را باجمال برگوش
دل شنونده و خواننده خود فرو میخواند و آیات شریفه ۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵ سوره مبارکه
یوسف را ازقران مجید بیاد می‌آورد : «وقال الملك اتونی به استخلفه لنفسی فلما
کلمه قال انک الیوم لدنیا مکین امین» «قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ
علیم» «و کذالك مکنا لیوسف فی الارض یتبوا منها حیث یشاء نصیب برحمتنا من نشاء
ولا نصیع اجر المحسنین»
[صفحه ۱۳ غزل ۱۶ بیت ۲
نقل از صفحه ۸ رساله]

نیود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت
خواجه نظر بازعاشق پیشه این همه انس و الفت و بالاخره محبت و عشق ورزی
را که با معشوق شوخ شیرین کار خود دارد زانیده جهان مادی نمیداند و اساس
و پایه یکرنگی را درعالم بی رنگی که بزبان و عرف ادیان عالم الستش خوانند میجوید
و میداند و به معشوق فتاش بزبان حال می گوید :

«اینهمه مهر و فانی که میان من و تست یا خود آوردم از آنجانه بخود بر بستم»
در تالیف قلوب وازلی بودن آن ما را بیاد آیات شریفه آتی الذکر می‌اندازد که
فرمود : آیه شریفه ۱۷۱ سوره مبارکه اعراف «واذا اخذ ربک من بنی آدم من
ظهورهم ذریبتهم و اشهدهم علی انفسهم السنت بریکم قالوا بلی شهدنا ان تقولوا یوم
القیمة انا کنا عن هذا غافلین» و نیز شاید آیه ۶۵ سوره مبارکه انفال را نظر داشته
السنت : «والف بین قلوبهم لولا نفقت ما فی الارض جمیعاً ما الفت بین قلوبهم و لکن الله
الف بینهم انه عزیز حکیم» و آیه ۹۸ سوره مبارکه آل عمران را توجه فرمائید
نقل از صفحه ۱۶ رساله]

چهارم تأثرات شبه مفهومی - آن نوع تأثراتی را نام گذاری شده است با
مفهوم بیت با مفهوم یکی از آیات کریمه قران مجید تشبیه حاصل کرده ویا لاقول
احتمال چنین تأثری داده شود بتوان نمونه و مثال چند قفره از آنها عیناً یاد میشود :

[صفحه ۲ غزل ۲ بیت ۳

چه نسبتست برندی صلاح و تقوی را سماع و عطف کجا نغمه ربابی کجا
حافظ عزیز و بزرگوار درین بیت شیوا و شیرین خود بمقایسه پرداخته رندی
و صلاح و تقوی را در میزان عدالت شعار آفرینش بر دو کفه برابر هم میگذارد و بذوق
سلیم و طبع عاشق و ش خویش آنها را بمقیاس عشق توزین می کند و سماع و عطف و
نغمه ربابی را بادل پر از عشق و محبت خود از هم جدا می سازد و شاید بالاتکاء برحمت
پروردگار جهان رندی و نغمه ربابی را بر آندیکر بها امتیاز میدهد و مسلماً صلاح و
تقوی و عطف آمیخته بریا و مزدورانه را در برابر رندی و نغمه مهر نیز ربابی سخت
ناچیز و پست می شمارد و اظهار بی زاری و نفرت از آنگونه تظاهرات و عوام فریبی ها
می کند از نظر مقایسه شاید آیه شریفه ۱۷ سوره مبارکه رعد را در نظر داشته که
فرماید : «هل یتسوی الاعمی والبصیر ام هل تستوی الظلمات والنور» و نیز آیه شریفه

۳۴ سوره مبارکه فضلت «لاستوی الحسنه ولا السيئة ادفع بالتی هی احسن» و مخصوصاً با توجه باینکه خواجه در استعمال لغات و الفاظ فرق عادت گذشتگان را کرده و در بکار برد آنها اطلاق عنادی بخرج میدهد بدین معنی که مرادش از کلمه «رندی» پاکدامنی و شرافت و منظورش از صلاح و تقوی رباکاری و تزویر است. شاید درین مقایسه آیه شریفه ۱۸ سوره مبارکه سجده را در نظر داشته که می فرماید «ایمن کن مؤمنان کمن یکن فاسقاً لا یتوبن» بشأن نزول و تفسیر آن مراجعه فرمائید نقل از صفحه ۲ رساله]

[صفحه ۴۴ غزل ۶۳ بیت ۵

عاشق که شد که یار بحالش نظر نکرد
از خواجه در دنیست و گرنه طیب هست
حافظ بزرگوار شیرین سخن حقیقه در تأویل و توجیه آیات شریفه و معجزه آسای قرآن مقدس و عزیز اعجاز میکند تا جائیکه خواننده با ذوق را دچار بهت و حیرت می نماید وی درین بیت شیوای خود باحنی خاص که از ذوق شایسته است بآیه پر بشازت و مفرح ۱۸۲ سوره مبارکه بقره اشاره لطیف می کند و آنرا بخواننده پر ذوق خود القاء می نماید : «وادا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجبوا لی ولیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون»

نقل از صفحه ۶۲ رساله]

ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق
هر عمل اجری و هر کرده جزائی دارد
خواجه ادب با عارفان و بایمان بیدلانه معشوق شوخ شیرین کار خود را بلطف و مهربانی ورزیدن دعوت می کند و می گوید که در مذهب عشق و آمین بلا بار محبت برای هر عمل اجری و برای هر کرده جزائی در پی و در کار است وی در سرودن مصراع دوم این بیت شیوا ظاهراً از آیه شریفه ۸۴ سوره مبارکه قصص متأثر است که فرمود : «من جاء بالحسنة فله خیر منها و من جاء بالسيئة فلا یجزی الذین

عملوا السیئات الا ما كانوا یعلمون»
نقل از صفحه ۹۵ رساله]

[صفحه ۹۳ غزل ۱۶۳ بیت ۷

مشکل عشق نه در حوصله دانش ماست
حل این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد

خواجه رند و عاشق پیشه باین بیت شیوا و رسای خود بهمه عالم و جهان و جهانیان اعلام می فرماید که انسان با اینهمه قدرت و نیروئی که دارد و با اینهمه ادعائی که درباره علم و دانش و هنر و معرفت بخود دارد. باید اعتراف کند که حوصله دانشش بسیار تنگ و کوچک است و کوچکتر از آنست که بتواند مشکل عظیم عشق را با علم و دانش مختصر خود حل نماید وی با سرودن این بیت ما را بیاد آید شریفه ۸۷ سوره مبارکه اسراء می اندازد که فرمود : «ویستأونک عن الروح قل الروح من امر ربی و ما اوتیتهم من العلم الا قلیلاً»
نقل از صفحه ۱۰۰ رساله]
(توضیحاً علاوه می نماید که تأثرات شبه مفهومی بسیار کم بکار رفته است و درک و استخراج آنها هم درخور کمال دقت و تدبیر است)

پنجم تأثرات کلی - آن قسم تأثراتی را نامیده شده است که مفهوم بیت با افکار عالی بی نظیر و ان و با عرف اسلامی تماماً مطابقت دارد ولی برای تعیین تأثرات نمی توان یک آیه را منحصر و بیاچند آیه را از یک سوره درین موضوع محل تأثر نشان داد بلکه برای تعیین محل آن باید آیاتی مختلف از سوره قرآن را ذکر کرد و سپس آنها را بهم تلفیق داد بعنوان نمونه و مثال چند قمره از آنها عیناً آورده میشود :

[صفحه ۳۶ غزل ۵۱ ابیات ۳-۴

ساروان رخت بدر و از مبرکان سر کو
شاه راهیست که منز لگه دلدار منست
بنده طالع خوبش که درین قحط وفا
عشق آن اولی سرمست خریدار منست
خواجه ادب در سرودن این دو بیت عشق بیز مسلماً از محفوظات ذهنی خود

(که بیشتر آن از قرآن کریم است) متأثر گردیده است و بقدری در تأثرات قرآنی و مطالب عشقی و مفاهیم شاعرانه آمیختگی بکار برده که خواننده را در وهله اول مجال و فرصت درک آن نمی‌دهد که بداند خواجه عزیز در انشاء این درویش چگونه از قرآن بزرگوار کریم متأثر شده است ولی پس از امعان نظر دقیق و مطالعه توأم با موشکافی و دقت عمیق در مطلب کاملاً مسأله روشن می‌شود خواننده اگر دایستان عشق انگیز و ماجرای حیرت آور و بردوق و جذبه حضرت یوسف علی نبینا علیه السلام را در سوره شریفه یوسف که «احسن القصص» قرآن است سبقت خواننده باشد در خواهد یافت که حضرت یعقوب علیه السلام بهنکام قحطی و غلا در کنعان فرزندان خود را که در معیت کاروانی برای اخذ و تحصیل غله و آذوقه بشهر مصر می‌رفتند چگونه سپارش می‌کند که از يك دروازه وارد نشوند بلکه از دروازه های مختلف وارد شوند تا از چشم زخم مردم مصون مانند و از عزیز مصر درخواست کمک و استمداد نمایند و نیز در همان سوره شریفه می‌فرماید که وی همیشه و همه وقت در انتظار ورود یوسف عزیز خود بوده و فرزندان و آشنایان خود که در قحط و غلا و بی‌غذائی می‌سوختند چگونه از سوز عشق خود در فراق یوسف سخن می‌گفت با در نظر گرفتن این موضوعات توجه فرمائید خواجه در تنسیق و تنظیم کلام خود از قبیل آوردن : دروازه - شاه راه - منزلگه دیدار - قحط وفا - عشق لولی - خریدار من آیا متأثر از داستان شورانگیز و دل‌گداز یوسف عزیز نبوده است ؟

[صفحه ۴۰ غزل ۵۶ بیت ۲۱]

فقر ظاهر مین که حافظ را
سینه گنجینه محبت اوست
خواجه ادب فقر ظاهری خود را بگنجینه عظیمی که در صندوق سینم دارد
مستور می‌نماید و با آنهم ناداری مادی باین هم دارایی معنوی خود می‌نازد وی

دزدینگر اشماد و ایات لطیف خود سینه بلاکش خود را محل گنجینه بی‌پایان یعنی قرآن بزرگوار قلمدار کرده می‌گویند . «قرآنی که اندر سینه داری» بعید بنظر نمی‌رسد که حافظ عزیز با آنهمه لطف بیان و تعییرات ظریف و لطیفی که دارد مرادش از «گنجینه محبت» قرآن با عظمت باشد
[صفحه ۴۹ غزل ۶۹ بیت ۱۲]

ای چنگ فرو برده بخون دل جافظ .
فکرت همگراز غیرت قرآن و خدا نیست
خواجه بزرگوار را دلی بر عشق و بردوق و سری پر شور و پر وجد است که در آن جز خدا چیزی و کسی منزل نکرده است و اگر گویند که درین دل پاک است که قرآن با عظمت محفوظ و عشق حضرت دوست مالمال است باز هم حق اینست که گفته شود جز خدا در آن دل می‌آلایش چیزی وجود ندارد چه عشق و قرآن نیز پرتوی از رخ زیبا و صورت بی‌صورت اوست که لازم و ملزوم هم‌اند همچنانکه نور بی‌شمع نتواند بود جمال بار هم بی‌عشق نتواند بود
[صفحه ۵۹ غزل ۸۵ بیت ۳]

بس که مافاتحه و حرزیمانی خواندیم
وز بیش سوره اخلاص دمیدیم بر برفت
خواجه شورید سر درین بیت شیوای خود از مسافرت ممدوح سخن بپیمان
می‌آورد و در آن از سوره های مبارکه فاتحه الکتاب و توحید یا اخلاص یاد می‌کند چنانچه از اخبار و احادیث اسلامی و مخصوصاً خاندان پاک و مطهر حضرت نبوت برمی‌آید برای اینکه مسافری سلامت و خوشی از سفر خود باز گردد و دیده با زماندگان را روشن گرداند دستور داده‌اند که از بی آن سوره اخلاص یعنی توحید بخوانند و بدمند و نیز برای حفظ او از حوادث سوء و پیش آمدهای ناگوار امر کرده‌اند که سوره فاتحه الکتاب و حرزیمانی خوانند خواجه هم درین بیت لطیف خود همان دستورها و اوامر عالی و مهم را برای خواننده دیوان پرتوحش یادآوری می‌نماید

(حرزیمانی ادعیه چند است حضرت رسول صلی الله علیه و سلم حضرت علی کرم الله وجهه را بوقت سفریمن تلقین و تعلیم فرموده بودند غیث اللغات) نقل از صفحه ۸۰ رساله]

[صفحه ۸۷ غزل ۱۲۷ بیت ۱۰]

حافظ اگر سجده نو کرد مکن عیب کافر عشق ای صنم گناه ندارد

خواججه ادب درین بیت دلانگیز و نغز خود خطاب بمعشوق بی هستای خود می گویند: اگر هست عاشق دلخسته و گرفتار تو بتو سجده می آورم و ترا از جان و دل می پرستم مورد ملامت و سرزنش قرار میده چه جز تو صنم و بتی زیبا برای پرستیدن ندارم در این گفتار بیدلانه خود از قرآن مجید و افکار عالی و عرف اسلامی مناسبت گرفته است و کلمات سجده - کافر - صنم از مصطلحات اسلامی و قرآنی است توضیح اینکه کلمه صنم در قرآن مجید بصورت جمع آن «اصنام» بارها بکار رفته است

[نقل از صفحه ۹۶ رساله]

این بود نمونه بسیار مجمل و موجزی بوجه نهایت اختصار از جلد اول رساله که در آن تاغزل شماره ۲۰۰ دیوان شورانگیز لسان الغیب تحقیق و تتبع بعمل آمده نگارنده بیهوده با نهایت شوق و غایت ذوق علاقه دارد که در استخراج بقیه تلمیحات و اشارات قرآنی دیوان فیض بخش و روح نواز خواججه ادب بکوشد و هم اکنون درین زمینه بادامه مطالعه و تهیه و تدارک یادداشتها و تنظیم و ترتیب آنها مجاهدت می درزد امید است که بتوفیق پروردگار بزرگ و یکتای جهان که در تمام مراحل عمرش الطاف بی پایان و مراحم بی کران و فوق تصور و انتظارش را همیشه شامل حال بنده مقصرش گردانیده است و بنده حقیر و ناچیزش بتقصیر اداء شکرش در نهایت عاجز و ناتوانی اعتراف و چشم غفو و بخشش دارد بتواند هر چه زودتر این کار را بنحو مطلوب بیابان رساند و انجام دهد و جلد دوم آنرا نیز برای مطالعه علاقمندان آماده دارد انشاء الله تعالی .